هزار
13
02
20
۵شنبه
۲۴ بهمن ۱۳۹۸
۱۸جمادی‌الثانی۱۴۴۱
شماره ۳۰۴۴

ویژه آخر هفته

داری کجامی‌ری؟

بعضی‌ها فقط دارند می‌روند. کاری ندارند به کجا. هرجا که فِلِش‌ها امر کنند همان سمت می‌روند. نگاهشان که می‌کنی، یاد دیالوگ نقی معمولی می‌افتی. انگار دارند می‌گویند: فقط بذارید من برم! پشت سر این آدم‌ها راه افتادن توی زندگی خیلی خطرناک است. برعکس این گروه، یک عده هستند که همیشه می‌پرسند: دارم کجا می‌رویم؟ فلش‌ها را چشم‌بسته قبول نمی‌کنند. این‌ها همان‌هایی هستند که به مقصدی که می‌خواهند می‌رسند.

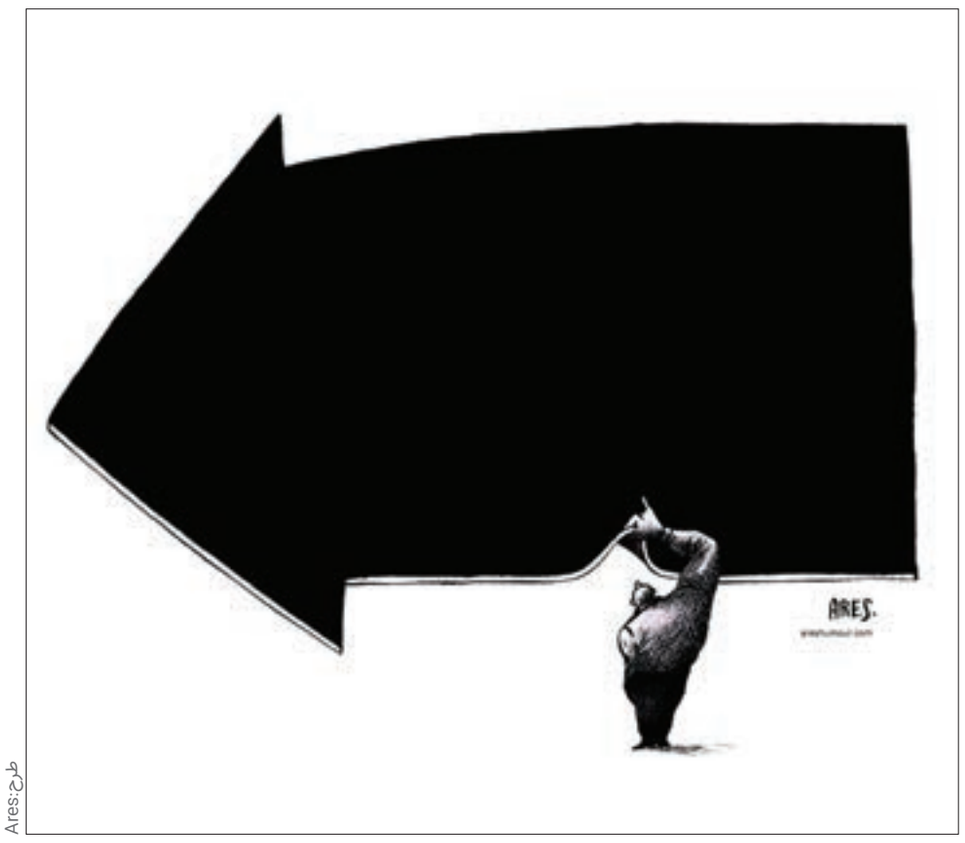

طرح: Ares

به وقت گشت و گذار

مثلث عشقی، خون، هیاهو

مثلث‌های عشقی‌ای که به جنایت ختم می‌شوند بارها سوژه ساخت فیلم‌های جنجالی شده‌اند. چند سال قبل فیلم «خشم و هیاهو»ی هومن سیدی با این سوژه مورد توجه علاقه‌مندان به سینما قرار گرفت. حالا علی عطشانی با فیلم «یادم تو را فراموش» دوباره سراغ همین سوژه رفته است تا نظر تماشاگران را جلب کند. اگرچه فیلم از روی یک پرونده جنایی معروف ساخته شده است، بیش از آنکه جنایی باشد، جنبه‌های عاشقانه دارد و حضور مازیار فلاحی و آهنگ‌هایی که می‌خواند هم این فضا را تقویت می‌کند. در این فیلم، بازیگرانی مثل میترا حجار، حسین یاری، آتیلا پسیانی و ماه‌چهره خلیلی هم ایفای نقش می‌کنند. «یادم تو را فراموش» محدودیت سنی دارد و برای افراد زیر ۱۸ سال مناسب نیست.

تماشای «آنومی» خارج از صحنه

اگر به تئاترهایی که در فرم خلاقیت دارند علاقه دارید، پیشنهاد می‌کنیم دیدن نمایش «آنومی» را از دست ندهید، نمایشی به کارگردانی عادل توکلی‌نسب و نویسندگی مسعود عقلی، شادی غفوریان و امیرحسین آژیر. این تئاتر بر اساس ۲ پرونده قضایی نوشته شده است. در طول نمایش، با ماجرای این پرونده‌ها آشنا خواهید شد ولی بر خلاف نمایش‌های معمول که دکور صحنه بعد از هر پرده از نمایش تغییر می‌کند، در «آنومی» مخاطب است که با پایان هر پرده از نمایش از یک اتاق به اتاق دیگری در محل اجرای نمایش می‌رود که دکور آن متناسب با ادامه داستان طراحی شده است. می‌توانید بلیت این نمایش صددقیقه‌ای را که این روزها ساعت ۱۸:۳۰ اجرا می‌شود از تارنمای مشهدگیشه خریداری کنید.

بدرقه تا آسمان

اگر علاقه‌مند به گشت و گذار در نگارخانه‌ها هستید، پیشنهاد می‌کنیم آخرین فرصت برای بازدید از نمایشگاه «بدرقه تا آسمان» را از دست ندهید. این نمایشگاه شامل آثار برگزیده جمعی از عکاسان کشور با موضوع تشییع پیکر سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی است که هم‌زمان با چهلمین روز شهادت سردار قاسم سلیمانی در نگارخانه رضوان به نمایش درآمد و امروز آخرین فرصت بازدید از آن است. هنرمندان و هنردوستان می‌توانند برای بازدید از این نمایشگاه در نوبت صبح از ساعت ۹ تا ۱۳ و در نوبت عصر از ساعت ۱۶ تا ۱۹ به نگارخانه رضوان واقع در خیابان کوهسنگی، کوهسنگی ۱۷، پلاک ۱۶، مراجعه کنند.

سفر به دل کویر یونسی

این روزهای آخر بهمن که هنوز با داغی آفتاب دست‌وپنجه نرم نمی‌کنیم، بساط سفری کوتاه را بچینید و بزنید به دل کویر یونسی. یونسی شهر کوچکی است در چهل‌وپنج کیلومتری بجستان و فاصله آن از مشهد ۳۰۰ کیلومتر می‌شود. این کویر نزدیک‌ترین کویر به شهر مشهد است و تپه‌های ماسه‌ای و رمل‌های روانش می‌تواند آخر هفته‌ای متفاوت از روزمرگی‌ها و شلوغی‌های هفته برایتان بسازد. در این سیر و سیاحت، قاعده و قانون کویرنوردی و نکات لازم را رعایت کنید که سفر بی‌خطری داشته باشید. سعی کنید با بیش از یک خودرو و گروهی به این سفر بروید و اگر خواستید به دل کویر بزنید، از محلی‌ها بخواهید راهنمای شما باشند.

هزارتو

شماره ۱۱۳

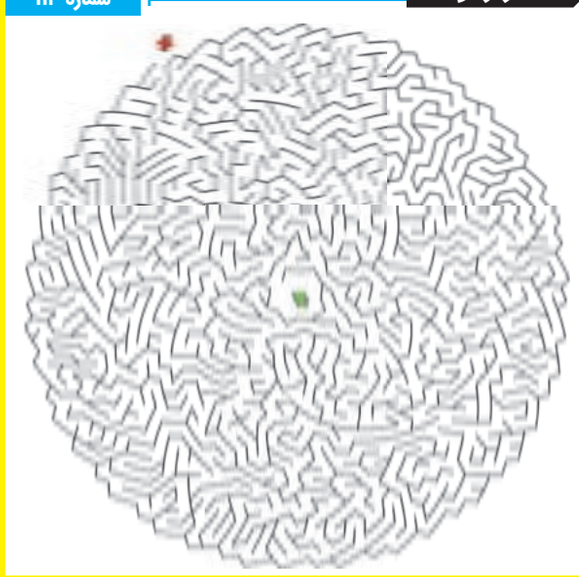

سودوکو

شماره ۱۱۴

قوانین سودوکوی پازلی درست مثل سودوکوی معمولی است با این تفاوت که جدول سودوکوی معمولی از ۹ مربع کوچک ساخته می‌شود ولی در سودوکوی پازلی این مربع‌ها به اشکال نامنظمی تغییر شکل داده‌اند. شما باید طوری اعداد یک تا ۹ را در جدول قرار دهید که در هر ستون، ردیف و هر ناحیه (که با خطوط پررنگ مشخص شده است) اعداد تکراری قرار نگیرد.

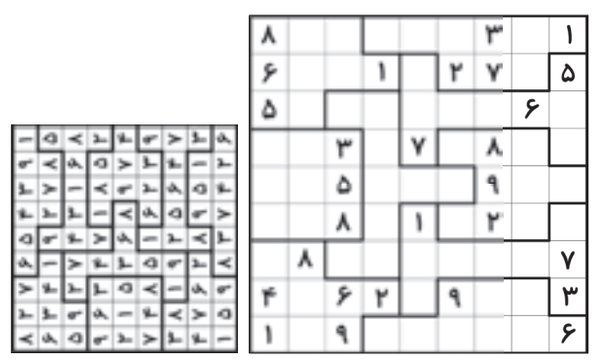

ستاره‌یاب

شماره ۸۳

بازی ستاره یاب یک بازی منطقی جذاب و پرطرفدار است که برای اولین بار در مسابقات جهانی بازی‌های منطقی در سال ۲۰۰۳ از آن رونمایی واستقبال شد.
قوانین بازی: ۱.هر جدول به ۸منطقه تقسیم شده است که با خطوط پررنگ متمایز شده‌اند. ۲.باید در هر منطقه حتما یک ستاره قرار بدهید. ۳.در هر ردیف، ستون و منطقه نمی‌توان بیش از یک ستاره قرار داد. ۴.ستاره‌ها نباید چسبیده به هم قرار بگیرند (حتی مورب).

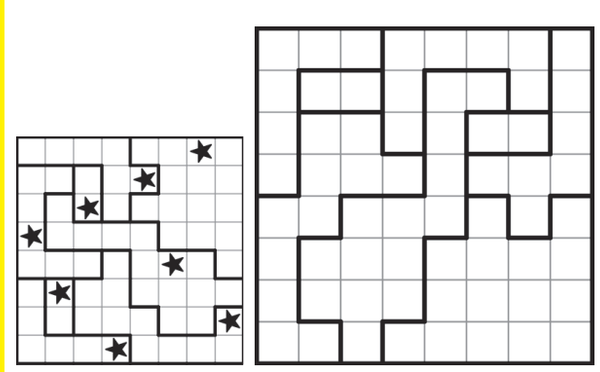

پل سازی

شماره ۱۱۷

قوانین بازی: ۱.باید برای هر جزیره (دایره) به تعداد عددی که وسط آن نوشته شده است، پل (خطی که جزیره را به یکی از جزایر اطرافش وصل می‌کند) بسازید. ۲.تنها می‌توانید از خطوط راست عمودی یا افقی استفاده کنید و نمی‌توانید خطوط اریب یا اِل بکشید. ۳.بین ۲ جزیره بیش از ۲ پل نمی‌شود ساخت. ۴.پل‌ها نباید همدیگر را قطع کنند ولی در انتها همه جزیره‌ها باید به هم راه داشته باشند.

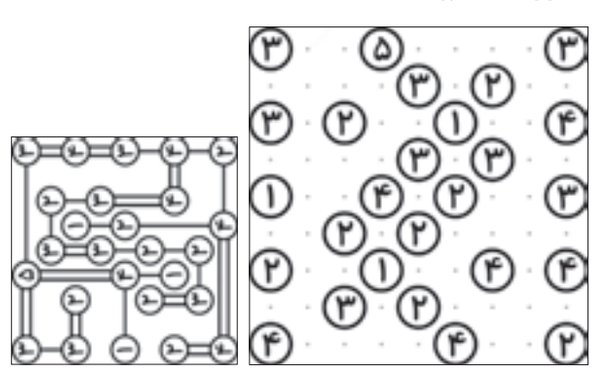

مسافر سنت در هزاره سوم

روزنوشت‌های شهری (۴۷)

فردا تعطیل رسمی است!

حجت‌الاسلام محمدرضا زائری
کارشناس مسائل فرهنگی

شنبه - دکتر جوان و استاد دانشگاه که مسئولیت مهمی در یکی از نهادهای رسمی دارد در حالی که موقع ورود به سالن دستم را می‌فشارد آهسته می‌گوید: این‌دفعه دیگه پیاده‌ام. توی روزنوشت‌ها بنویس که من را دیده‌ای! می‌خندم و سری تکان می‌دهم. قصه‌اش این است که مدتی قبل او را در حال رانندگی دیده بودم و گفته بود: اسم من را توی روزنوشت‌ها بنویس! جواب داده بودم که من فقط از اتوبوس و مترو می‌نویسم!

یکشنبه- توی ترافیک وسط اتوبان جوان‌های دست‌فروش دست‌هایشان را بالا آورده‌اند و در هوا تکان می‌دهند. سی‌دی موسیقی جدید و ورق بازی می‌فروشند و هنگامی که به ماشین‌ها می‌رسند به سرنشینان خودروها اشاره می‌کنند: آلبوم جدید، بازی! من جلو ماشین، کنار راننده نشسته‌ام. با دیدن من دست‌هایشان را پایین می‌آورند و در سکوت می‌گذرند.

دوشنبه- زنی گدا آهسته در حاشیه پیاده‌رو قدم می‌زند و از رهگذران پول می‌خواهد. به زن و شوهری میان‌سال می‌رسد که دست همدیگر را گرفته‌اند و قدم می‌زنند. زن از دور به من اشاره می‌کند و می‌گوید: برو از این بگیر! وقتی دارم دست توی جیبم می‌کنم که پولی برای زن گدا پیدا کنم، شوهرش لبخندی می‌زند و از کنار هم می‌گذریم.

سه‌شنبه- هنوز همه‌جا از برف دیشب سفید است و گوش‌هایم از سوز سرما سرخ شده، اما وقتی ماشین را در خیابان فرعی پارک می‌کنیم و کم‌کم نشانه‌های جمعیت در خیابان‌های جلوتر پیدا می‌شود سرما را فراموش می‌کنیم. پرچم‌های رنگی ایران و پوسترهای سردار سلیمانی همه‌جا دیده می‌شود و صدای سرود از بلندگوها می‌آید. شور و هیجان حضور حماسی مردم در راهپیمایی بیست‌ودوم بهمن بعد از ۴۱ سال همچنان حفظ شده است. دیدن کودکان خردسال در آغوش پدرها و مادرها و نوزادان خوابیده در کالسکه‌ها شورانگیزترین صحنه‌های این شکوه تاریخی است.

چهارشنبه- پیرمردی توی شلوغی بی‌آرتی خود را به‌سختی بالا می‌کشد و از همان‌جا شروع می‌کند به آواز خواندن. همه با کنجکاوی سرک می‌کشند و پیرمرد می‌گوید: آهنگ درخواستی می‌خوانم! بعد به مردی که روی پله انتهای اتوبوس ایستاده اشاره می‌کند: بالای سن ایستاده‌ای و جای من را گرفته‌ای! مرد می‌خندد و جایش را به او می‌دهد. چند لحظه حال و هوای اتوبوس را عوض کرده است. مسافران دارند می‌خندند و سر به سرش می‌گذارند. وقتی پیرمرد بالای پله می‌ایستد، از بطری کوچک آب چند قطره می‌نوشد و نفسی تازه می‌کند و بعد بطری را مثل میکروفون در دست می‌گیرد و می‌گوید: شنوندگان عزیز! با قسمت دیگری از برنامه «گل‌های رنگارنگ» رادیو در خدمت شما هستیم! سپس یکی‌یکی نام هنرمندان مهمانش را اعلام می‌کند و با سبک‌های مختلف می‌خواند. هر بار هم در میان کف زدن و تشویق مسافران اتوبوس، در بطری را باز می‌کند و می‌گوید: بگذارید قدری بخورم تا حس بگیرم! یکی از مسافران با صدای بلند می‌پرسد: چیه که این‌قدر خوب حس می‌ده؟ قبل از پاسخ پیرمرد، من که کنار پله نشسته‌ام می‌گویم: آبه. نگران نباشید! من اینجا کنترل می‌کنم! همه می‌خندند و پیرمرد ادامه می‌دهد: فردا پنجشنبه، تعطیل رسمیه! می‌تونید استراحت کنید! بعد در جواب نگاه‌های پرسشگر ادامه می‌دهد: تولد منه! آخرش هم دعا می‌کند: خدایا، گناهان ما رو به ریال، و ثواب‌های ما رو به دلار حساب کن! در میان خنده‌های شاد و کف‌زدن‌های پیاپی مسافران، من هم پولی کف دستش می‌گذارم، به پاس تلاش موفقش برای عوض کردن حال و هوای همه‌مان!

پنجشنبه- پسر شش‌هفت‌ساله به شکم دختر جوان می‌زند و با لگد بساط دست‌فروش را به هم می‌ریزد. توجه همه رهگذران به او جلب شده که می‌رود و برمی‌گردد و با مشت به این و آن می‌کوبد. همین‌طور که راهم را می‌روم، کنجکاو شده‌ام که ببینم چرا تنهاست و چه می‌کند. اگر کودک کار است چرا چیزی نمی‌فروشد و اگر با کسی همراه است چرا جلوش را نمی‌گیرند؟ ناگهان صدای زنی بلند می‌شود: بیا پسرم، بیا! زن تقریبا روسری‌اش افتاده لباس قرمز جیغی به تن دارد و مشغول مکالمه با تلفن است و هم‌زمان بر سر کسی آن سوی خط جیغ می‌کشد! کودک اعتنایی به او نمی‌کند و به سراغ در یکی از ساختمان‌ها می‌رود و زنگ می‌زند و فرار می‌کند. به‌وضوح بی‌تاب و ناآرام و غیرطبیعی است. هیچ شرح و توضیحی ضرورت ندارد. دلم برایش می‌سوزد.

جا کتابی

چطور عاقلانه دیگران را دوست بداریم؟

شریف شیرزاد | فلسفه اخلاق که قدمتی به اندازه خود فلسفه دارد عمومی‌ترین حوزه آن نیز هست، به این دلیل واضح که همه آدم‌ها دغدغه‌های اخلاقی دارند و هر آن ناچارند تصمیماتی بگیرند که حتما باید آن‌ها را از منظر اخلاقی بررسی کرد. خواندن کتاب‌های فلسفه اخلاق، به‌ویژه آن‌ها که در باب «اخلاق عملی» هستند و با مثال‌های روشنگری همراه‌اند، از این نظر بسیار سودمندند. در فلسفه اخلاق، چنان که در سایر حوزه‌های فلسفه، مکاتبی بسیار هست که التزام به هر یک از آن‌ها به نتایج مختلفی منجر می‌شود، اگرچه این بدان معنا نیست که مثلا افراد «وظیفه‌گرا» و افراد «سودگرا» لزوما به نتایج بسیار متفاوتی در باب امور واحد می‌رسند. همان‌طور که از جمله پیشین برمی‌آید، یکی از مکاتب مهم فلسفه اخلاق «سودگرایی» است. «سودگرایی» (Utilitarianism) یا «فایده‌گرایی» یا «منفعت‌باوری» یا... با تساهل و تسامح و بدون منظورداشتنِ پیچیدگی‌های فنی یعنی اینکه «باید کاری کرد که بیشترین سود را برای بیشترین افراد در پی داشته باشد». فیلسوفان بسیاری «سودگرا» هستند. پیتر سینگر (ت. ۱۹۴۶)، فیلسوف استرالیایی، یکی از این بسیاران است که آثار مهمی در این زمینه پدید آورده است. از آن جمله‌اند «آزادی حیوانات» و «دیگردوستی مؤثر» که هر دو شان را به فارسی هم ترجمه کرده‌اند. کتاب اخیر را همین یکی دو ماه پیش نشر «نی» روانه بازار کرده است، با ترجمه آرمین نیاکان و مقدمه‌هایی از مصطفی ملکیان و محمدرضا جلائی‌پور، با قیمت ۳۰ هزار تومان.

اما «دیگر دوستی مؤثر» اصلا چیست؟ خواندن مقدمه‌های پیش گفته شما را به پاسخ خواهد رساند، اما فعلا سخن سینگر در پیش گفتار کتاب را بخوانید: «اساس دیگردوستی مؤثر بسیار ساده است: باید بیشترین کار نیکی را که می‌توانیم انجام دهیم. پیروی از قواعد معمول مانند دزدی نکردن، خیانت نکردن، آسیب نرساندن، و نکشتن کافی نیست یا کلا کافی نیست یا دست‌کم برای آن‌ها که زندگی مادی راحتی دارند و می‌توانند تغذیه و مسکن و پوشاک خود و خانواده‌شان را فراهم کنند و در نهایت پول و وقت اضافی خواهند داشت کافی نیست. زندگی‌ای که حداقل‌های اخلاقی را رعایت می‌کند مستلزم استفاده از قسمت بزرگی از منابع اضافه برای خلق دنیایی بهتر است. اخلاقی‌ترین نوع زندگی مستلزم انجام‌دادن بیشترین نیکی ممکن است.» کسی که می‌خواهد دیگردوستیْ مؤثر باشد باید ساده‌زیستی پیشه کند و، جز آن بخشی از درآمد خود را که صرف برآوردن نیازهای خویش و پس‌اندازِ لازم می‌کند، بقیه را به نیازمندترینِ افراد ببخشد، بدون آنکه احساساتی شود و مسائلی مانند خویشاوندی یا هم‌وطن بودن را در یاری‌رسانی منظور بدارد، صرفا براساس آنچه عقل بدان حکم می‌کند. شاید فکر کنید اصلِ این کار نامعقول است یا حتی اگر معقول باشد، از هر کسی ساخته نیست. خواندن کتاب سینگر این‌قبیل داوری‌های شما را متأثر خواهد کرد.

نسخه الکترونیک: ازفیدیو

فیلم بین

تماشای جنونِ وسط پیست

ایمان فروزان‌نیا | مسابقات اتومبیل‌رانی از پرهیجان‌ترین مسابقات دنیا به حساب می‌آیند. این هیجان به فیلم‌هایی که درباره این مسابقات و اتفاقات پشت صحنه آن‌ها ساخته می‌شوند هم منتقل شده است مخصوصا اگر به رقابت ۲ غول بزرگ اتومبیل‌سازی، یعنی شرکت آمریکایی فورد و شرکت ایتالیایی فراری، بپردازد. «فورد علیه فراری» (Ford v Ferrari) محصول سال ۲۰۱۹ فیلمی به کارگردانی جیمز منگولد است که از شروع اکران مورد توجه بینندگان قرار گرفت و بیش از ۲۲۰ میلیون دلار فروخت. در مراسم اسکار چند روز قبل هم اگرچه نتوانست عنوان بهترین فیلم سال را در بین رقبای سرسختش از آن خود کند، ۲ اسکار بهترین تدوین و بهترین صداگذاری را به دست آورد.

فیلم بر اساس اتفاقات واقعی ساخته شده است و قصه یک تیم از طراحان و مهندسان آمریکایی را روایت می‌کند که قرار است یکی از خارق‌العاده‌ترین خودروهای شرکت فورد را برای رقابت با رقیب دیرینه‌شان فراری بسازند اما هیچ موفقیت بزرگی بدون پشت سر گذاشتن چالش‌ها و از خودگذشتگی و فداکاری به دست نمی‌آید.

فیلم علاوه‌بر رنگ و تصویر و صحنه‌های اکشن جذاب اتومبیل‌رانی، بازیگران بسیار خوبی هم دارد. بازی کریستین بیل در نقش یک خوره و عاشق واقعی خودورهای مسابقه، بی‌نظیر ظاهر شده است. علاوه بر بیل، فیلم یک مت دیمون و جان برنتال خوب هم دارد و قطعا این بازیگران یکی از دلایل مهم امتیاز بالای فیلم هستند. ۹۴ درصد کاربران گوگل «فورد علیه فراری» را پسندیده‌اند. کاربران سایت IMDb به فیلم نمره ۸/۲ از ۱۰ داده‌اند و از تارنماهای روتن تمیتو و متاکریتیک هم به ترتیب نمره‌های بیش از ۹۲ و ۸۱ از ۱۰۰ گرفته است که یک جورهایی خیال آدم را از کیفیت بالای فیلم راحت می‌کند.

تماشای فیلم در فیلیمو